



انجمن علمی فقه‌برزای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌برزای تطبیقی

Volume 3, Issue 5, 2024

Examining the Structure and Process of the Preliminary Branch of the International Criminal Court

Safoura Mahdavinejad Arashlou¹, Mohammadreza Rahmat^{*2}, Seyed Mahdi Mansouri³

1. PhD Student in the Department of Law, Faculty of Humanities, Yazd Islamic Azad University, Yazd, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, School of Theology and Islamic Studies, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 287-298

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-4434-6954

TELL: +989124244752

Email: rahmat@meybod.ac.ir

Article history:

Received: 23 Sep 2023

Revised: 22 Oct 2023

Accepted: 01 Jan 2024

Published online: 20 Feb 2024

Keywords:

Preliminary Investigation, International Criminal Court, Preliminary Branch, Supervising Judge, Judicial Supervision.

ABSTRACT

The main issue tried to be investigated in this article is what is the structure and process of the preliminary branch of the International Criminal Court? This article is descriptive and analytical and the mentioned question has been investigated using the library method. The findings indicate that the existential philosophy of the establishment of the preliminary branch, in the face of the prosecutor's office, is that countries at the time of the Rome Statute, wanted to establish an institution that could protect the prosecutor from any suspicion of non-compliance with the standards of justice and fairness. Therefore, with the establishment of the preliminary branch, the way is closed to any doubt in the performance of the duties of the prosecutor. The preliminary branch of the International Criminal Court is an advanced judicial system that has been able to meet the goals of a standard trial to some extent by the interaction of the prosecutor's office in the preliminary investigation phase, by issuing the necessary licenses and regulatory policies. The result is that at the stage of starting the prosecution and conducting the preliminary investigation, if the prosecutor does not want to observe the principles of justice and fairness as an impartial judge, he can easily start the prosecution against a country and this is the preliminary branch that prevents this.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Mahdavinejad Arashlou, S; Rahmat, M & Mansouri, SM (2024). "Examining the Structure and Process of the Preliminary Branch of the International Criminal Court". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(5): 287-298.



انجمن علمی فقه‌برای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌برای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌برای تطبیقی

دوره سوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۲

بررسی ساختار و فرایند رسیدگی شعبه مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی

صفورا مهدوی نژاد ارشلو^۱، محمدرضا رحمت*^۲، سیدمهدی منصوری^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، میبد، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه فقه و حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران.

چکیده

مسئله اصلی که در این مقاله تلاش شده بررسی شود، این است که ساختار و فرایند رسیدگی شعبه مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی چگونه است؟ این مقاله توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته شده است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که فلسفه وجودی تأسیس شعبه مقدماتی، در مواجهه با دادرسی این است که کشورها در زمان طرح اساسنامه رم، خواستار پی‌ریزی نهادی بودند که بتواند دادستان را از هرگونه شبهه در عدم رعایت موازین عدل و انصاف، مصون نگه دارد. بنابراین با تأسیس شعبه مقدماتی، راه بر هرگونه شک و شبهه در انجام وظایف دادستان بسته می‌شود. شعبه مقدماتی دیوان بین‌المللی کیفری، یک سیستم دادرسی پیشرفته است که توانسته با تعامل دادرسی در مرحله تحقیقات مقدماتی، با صدور مجوزهای لازم و سیاست‌های نظارتی، تا حدودی اهداف یک دادرسی استاندارد را برآورده نماید. نتیجه این که در مرحله شروع به تعقیب و انجام تحقیقات مقدماتی، در صورتی که دادستان نخواهد مبانی عدل و انصاف را به‌عنوان یک قاضی بی‌طرف رعایت نماید، به راحتی می‌تواند تعقیب علیه یک کشور را آغاز کند و این شعبه مقدماتی است که جلوی این بی‌عدالتی را به‌عنوان یک مرجع متشکل از قضات با تابعیت‌های متفاوت سد و در صورت تشخیص، جواز تحقیق یا عدم تحقیق را صادر می‌نماید.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۸۷-۲۹۸

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۶۹۵۴-۴۴۳۴-۰۰۰۳-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: ۹۸۹۱۲۴۲۴۴۷۵۲+

ایمیل: rahmat@meybod.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

تحقیقات مقدماتی، دیوان کیفری بین‌المللی، شعبه مقدماتی، قاضی ناظر، نظارت قضایی.



مقدمه

دادرسی کیفری محل رویارویی حقوق افراد و نظم اجتماعی است. این رویارویی گاه به نفع حقوق افراد گاه به نفع نظم اجتماعی فیصله می‌یابد. از مراحل مختلف فرآیند دادرسی کیفری، مرحله تحقیقات مقدماتی از دو جهت، از اهمیتی بیشتری برخوردار است: اول این‌که سنگ بنای یک پرونده کیفری در این مرحله گذاشته می‌شود؛ دوم این‌که مرحله محل رویارویی نظم اجتماعی و حقوق افراد است. به لحاظ ساختاری در مرحله تحقیقات مقدماتی دو الگو دارای بازپرسی و بدون بازپرس بر آیین دادرسی کیفری کشورهای مختلف حاکم است. در الگوی اول مراحل تعقیب و تحقیق از هم تفکیک شده، مرحله اول به دادستان و مرحله دوم به بازپرس واگذار گردیده است، درحالی‌که در الگوی دوم، هر دو مرحله تعقیب و تحقیق در اختیار دادستان است. فلسفه وجودی دیوان، تحقق عدالت و تأمین صلح و امنیت جهانی است، بدون تردید شیوه رسیدگی و روند دادرسی عنصر اساسی در تحقق عدالت مد نظر دیوان بوده و می‌تواند کمک شایانی به کارآمدی این نهاد حقوقی نماید. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که در سال ۱۹۹۸ به تصویب رسید، عصاره مشترک طرز تفکر نمایندگان الگوهای مختلف آیین دادرسی کیفری است که می‌تواند در طراحی الگوی مناسب برای هر جامعه، به کار آید و از طرف دیگر نقایص آیین دادرسی کیفری کشورهای مختلف را می‌توان در تطبیق با الگوی دیوان دریافت شعبه مقدماتی چیست و چرا دیوان کیفری برای اولین بار این نهاد را وارد ساختار دادرسی کیفری نمود؟ در ساختار دیوان کیفری ارکان مختلفی وجود دارد که شعبه مقدماتی از مهم‌ترین ارکان دیوان در اجرای عدالت است. در مرحله تحقیقات مقدماتی دیوان، بازپرس وجود نداشته و دادستان به طور کامل، فاقد قدرت قضایی بوده و تصمیمات او اگر با حقوق اولیه و اساسی افراد و آزادی و حریم خصوصی در تعارض باشد، باید به تأیید شعبه مقدماتی دیوان برسد، حتی در مرحله تصمیم‌گیری برای کفایت ادله اثباتی و ارسال پرونده به شعب دیوان، دادستان باید شعبه پیش‌دادرسی را به ختم تحقیقات مقدماتی مجاب نماید. این نهاد در ساختار کیفری ایران مفقود است. در این مقاله از یک‌سو به بررسی

ساختاری شعبه مقدماتی دیوان کیفری و از سوی دیگر به بررسی فرایندی شعبه مقدماتی پرداخته و سعی می‌شود تا با کشف فواید این نهاد جهت اجرای عدالت، گام برداشت.

۱- بررسی ساختار شعبه مقدماتی

در دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی، نقش و جایگاه شعبه مقدماتی بسیار اهمیت دارد، ضمن بررسی جایگاه و وظایف شعبه پیش‌دادرسی در این مقاله به این مسأله پرداخته خواهد شد که شعبه مقدماتی تحت تأثیر کدامیک از دادرسی‌های نوشته یا نانوشته، وارد ساختار دیوان کیفری بین‌المللی است.

در این قسمت بدون توجه به نحوه ورود شعبه پیش دادرسی به فرایند دادرسی، به بررسی ساختاری این نهاد و تطبیق آن با نهادهای مشابه در دادرسی‌های نوشته و نانوشته پرداخته شده است. برخلاف تصویری که از سابقه دادرسی نوشته به نام دادرسی تفتیش وجود دارد، در شرایط فعلی، در دادرسی کیفری کشورهای نظیر فرانسه و ایتالیا با قوانین جدید قضات ناظری ایجاد شده‌اند که شباهت‌های بسیار با این قضات در دادرسی نانوشته دارد. در ذیل پس از پرداختن به مفهوم قاضی ناظر به دو الگو از الگوهای موجود پرداخته شده است. نهادهای قضایی ناظر در آیین دادرسی کیفری مدرن، موجب چرخش وزنه به سمت «حقوق فردی» هستند. منظور از نهادهای قضایی ناظر، نهادهایی ساختاری است که به شکل فردی مانند قاضی آزادی‌ها و بازداشت در آیین دادرسی کیفری فرانسه و یا گروهی (همانند هیأت منصفه عالی در ایالات متحده آمریکا) بر کار بازپرس یا دادستان نظارت داشته و راجع به مهم‌ترین حقوق افراد همانند حق آزادی تصمیم‌گیری می‌نمایند. نقش این نهادها بسیار مهم است و الگوهای آیین دادرسی کیفری کشورهای مختلف بر مبنای حضور یا عدم حضور این مقام، ارزیابی می‌گردد (صابر، ۱۳۸۸: ۹۱).

در صورتی که مقام انجام‌دهنده تحقیقات (بازپرس یا دادستان) رأساً و بدون حضور نهادهای قضایی ناظر، در خصوص مواردی چون آزادی یا بازداشت افراد و نقض حریم خصوصی تصمیم‌گیری نمایند، الگوی دادرسی کیفری، الگویی «جامعه‌محور» خواهد بود، درحالی‌که اگر نهادهای قضایی

۱-۱- الگوی ایتالیایی

در سال ۱۹۸۵ میلادی نظام عدالت کیفری ایتالیا تغییرات متعددی داشته است و دادرسی کیفری چهره‌ای متفاوت نسبت به پیش از این تاریخ به خود گرفت. این اصلاحات موجب آن شد تا آیین دادرسی کیفری ایتالیا و الگوی جدید آن موضوع مباحثات علمی و دانشگاهی فراوان باشد. اصلاحات سال ۱۹۸۸ میلادی نظام عدالت کیفری ایتالیا به دو علت صورت گرفت: اولاً قانون‌گذار جدید به دنبال جایگزین کردن نظام تفتیشی قدیمی با نظام اتهامی بود، خصوصاً آنکه ویژگی‌های نظام تفتیشی سابق سبب شده بود تا دیوان اروپایی حقوق بشر در موارد متعدد، ایتالیا را به نقض اصول دادرسی منصفانه محکوم نماید (خالقی، ۱۳۹۷: ۷۱/۱)؛ ثانیاً حجم بالای پرونده‌ها و نیز آمار بالای جرایم در آن کشور مستلزم وجود یک نظام دادرسی کیفری سریع‌تر بود.

باتوجه به این که قانون ایتالیا با اصلاحات صورت‌گرفته تغییرات کلی داشت و قانون‌گذاران آن زمان حرکت انقلابی انجام داده بودند، به‌صورت مختصر به قانون قبل و فعلی پرداخته می‌شود، قانون سال ۱۹۳۰ با الگوی دارای بازپرس بود و تحقیقات مقدماتی جرایم توسط دادستان و بازپرس صورت می‌گرفت و هر دو قاضی محسوب می‌شدند. دادستان که عهده‌دار تعقیب بود، در جرایم کم‌اهمیت‌تر، تعقیب و تحقیق را نیز برعهده داشت که این تحقیقات تحقیقات اختصاری نامیده می‌شد، اما تحقیقات مهم‌تر توسط بازپرس انجام می‌شد که تحقیقات رسمی نام داشت. این تحقیقات غیرترافی و سری بود.

تحت تأثیر عوامل مذکور، قانون جدید آیین دادرسی کیفری ایتالیا در سال ۱۹۸۹ میلادی تصویب شد. قانون جدید بر مبنای آیین دادرسی کیفری افتراقی بوده و در آن روش‌های متعددی جهت سریع‌تر شدن روند رسیدگی به پرونده‌های کیفری ایجاد گردید. روش‌هایی چون محکومیت بر مبنای درخواست طرفین، حکم بر جزای نقدی و رسیدگی اختصاری و سایر موارد ذکر شده در قانون، از جمله این روش‌ها هستند. مهم‌ترین تغییر ایجاد شده در قانون جدید، حذف بازپرس از نظام دادرسی کیفری بود، مطابق قانون جدید، وظایف تعقیب

ناظر در فرایند دادرسی کیفری حضوری فعال داشته و اختیارات دادستان و بازپرس را محدود نمایند، الگویی «فردمحور» حاکم خواهد بود.

نهادهای قضایی ناظر همواره رکن جدایی‌ناپذیر آیین دادرسی کیفری کشورهای متعلق به نظام نانوشه به حساب آمده‌اند، درحالی‌که استفاده از آن‌ها در کشورهای متعلق به نظام نوشته، تنها چند دهه است که باب شده است. اهمیت مطلب آن است که تمایل جهانی به سمت به‌کارگیری این نهاد بوده است تا با استفاده از آن به‌عنوان مقامی که هیچ دخالتی در امر تحقیقات و جمع‌آوری دلایل نداشته‌اند، احتمال عدم رعایت بی‌طرفی مرتفع گردد.

مقایسه نهادهای قضایی ناظر و بازپرس از آن جهت واجد اهمیت است که هر دو این نهادها مقاماتی قضایی به حساب می‌آیند، در آیین دادرسی کیفری هیچ کشوری که بر مبنای الگوی دارای بازپرس باشد، این نهاد وابسته به قوه مجریه یا دولت نبوده و عضوی از قوه قضاییه است. تفاوت اساسی این دو نهاد را باید در آن دانست که بازپرس مقامی با شأن متفاوت تحقیقی و قضایی است، درحالی‌که نهادهای قضایی ناظر، مقامی صرفاً قضایی به حساب می‌آیند. این تفاوت با فلسفه شکل‌گیری نهاد قضایی ناظر سازگار است، چراکه اصولاً نهادهای قضایی ناظر به‌وجود آمدند تا در فضای امن و به دور از دغدغه تحقیقات مرتبط با جمع‌آوری دلایل، درخصوص مهم‌ترین حقوق افراد تصمیم‌گیری نمایند (George, 2018: 82).

باتوجه به آنچه گفته شد، می‌توان به این نتیجه رسید که هرچند نهادهای قضایی ناظر و بازپرس در ویژگی و شأن قضایی خود مشترک‌اند، اما آیین دادرسی کیفری مدرن، قدرت افسانه‌ای دومی را کاهش و شأن وی را به حد مقام تحقیق تقلیل داده است و در فرایند دادرسی کیفری، بازپرس در تصمیم‌گیری راجع به حقوق افراد آزاد نبوده و عرض اندام نهادهای قضایی ناظر را همواره در مقابل خود می‌بیند.

برای شفافیت موضوع به‌صورت اجمالی به بررسی الگوهای خاص دادرسی نوشته پرداخته می‌شود.

ابتدایی» است. در این مسأله که انگیزه طراحان الگوی جدید، نزدیک کردن دادرسی کیفری ایتالیا با موازین مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بوده است، هیچ شکی وجود ندارد. در واقع طراحان الگوی جدید، تصمیم‌گیری راجع به مهم‌ترین حقوق افراد را به مستقل‌ترین و بی‌طرف‌ترین نهاد ممکن، یعنی قضاوت تحقیقات ابتدایی سپرده‌اند. مسأله مهم‌تر در ارتباط با عوامل حذف بازپرس می‌باشد. یکی از عوامل اصلی حذف بازپرس در ایتالیا جلوگیری از اطلاع دادرسی کیفری بوده است.

۱-۲- الگوی فرانسوی

قانون تحقیقات جنایی که در سال ۱۸۰۸ تصویب شد، موجب نظام‌مند شدن آیین دادرسی کیفری فرانسه شد، قانون انقلابی که توانست نظام اتهامی انگلیسی و نظام تفتیشی سنتی فرانسه را در هم ادغام نماید. اصلی‌ترین ویژگی‌های این قانون سه مورد بود:

۱- پذیرش اصل تفکیک مرحله تعقیب از تحقیق و ایجاد قاضی تحقیق یا بازپرس؛

۲- پذیرش تجدید نظرخواهی؛

۳- پذیرش آیین دادرسی کیفری افتراقی به این شکل که به جرایم مهم‌تر، یک هیأت سه نفره از قضات و یک گروه نه نفره (هیأت منصفه) رسیدگی می‌کردند.

این قانون با گذشت زمان، ناکارآمد به نظر می‌رسید، در سال ۱۹۸۵ میلادی قانون دیگری به‌عنوان قانون آیین دادرسی کیفری به تصویب رسید که برخلاف قانون سابق، اولاً اختیارات و حقوق بیشتری به متهم اعطاء نمود؛ ثانیاً پیشرفت‌های جدید در علوم را مورد پذیرش قرار داد؛ ثالثاً روش‌های جدیدی جهت تسریع در فرآیند دادرسی کیفری ایجاد کرد (تدین، ۱۳۹۶: ۹۲).

پس از تصویب قانون فوق قوانین دادرسی تغییرات و تحولات عمده را تجربه کرد. این تغییرات و تحولات به شدت تحت تأثیر گزارشی دو کمیسیون در سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۶ میلادی به ریاست خانم دلماس مارتی و ماری تور رامات شکل گرفتند. مهم‌ترین تغییرات را باید مربوط به سال‌های ۱۹۹۳،

و تحقیق به‌شکل هم‌زمان در اختیار دادستان است. چرخش از الگوی حقیقت‌یابی در اختیار مقامات، به الگوی حقیقت‌یابی در اختیار طرفین، با هدف نزدیک کردن نظام دادرسی کیفری ایتالیا به نظام اتهامی و خصوصاً تحت تأثیر آیین دادرسی کیفری آمریکا صورت گرفت. آمریکا پس از جنگ جهانی دوم به قدرت برتر جهانی تبدیل شده و مکتب «حقوق اقتصادی» که بر مبنای واقع‌بینی و به‌دنبال کاهش هزینه‌های حقوقی است نیز در آن کشور شکل گرفته بود. بنابراین طبیعی بود که قانون‌گذار ایتالیا در سال ۱۹۸۸ میلادی در حذف بازپرس تحت تأثیر الگوی آمریکایی باشد (یوسفی، ۱۳۹۲: ۲۹).

موضوع قابل توجه در قانون جدید آن است که دادستان در این قانون نیز همانند قانون قبلی عضوی از قوه قضاییه بوده و مقامی اجرایی به حساب نمی‌آمد. با وجود تعلق دادستان به قوه قضاییه و قاضی محسوب شدن وی، در تصمیم‌گیری راجع به مسائلی چون آزادی و یا بازداشت متهم و نیز کفایت یا عدم کفایت دلایل اثباتی برای ارسال پرونده به دادگاه، مقام قضایی جدیدی که در قانون با عنوان «قاضی تحقیقات ابتدایی» آمده است، صلاحیت دارد. بنابراین نقش دادستان به تقاضاکننده مسائل فوق تقلیل یافته است.

قانون جدید مراحل آیین دادرسی کیفری را از یکدیگر تفکیک نمود و به سه مرحله تقسیم نمود: «مرحله تحقیقات مقدماتی»، «مرحله دادرسی مقدماتی» و «مرحله رسیدگی در دادگاه». مرحله اول به‌طور کامل در اختیار دادستان است؛ در مرحله دوم که برای مثال، نیاز به بازداشت شخصی خاص باشد، راجع به موضوع با قرار صادره توسط قاضی تحقیقات ابتدایی - و در جلسه‌ای با حضور دادستان و متهم تصمیم‌گیری می‌شود، مرحله دوم که نمونه آن در قوانین قبلی وجود نداشت و هدف اصلی آن کم‌کردن فشار کاری دادگاهها و جلوگیری از ورود پرونده‌های ضعیف به مرحله دادگاه می‌باشد، با ریاست مقامی قضایی با عنوان «قاضی جلسه مقدماتی» صورت می‌گیرد، در این جلسه راجع به کفایت یا عدم کفایت ادله اثباتی تصمیم‌گیری می‌شود.

با این حساب، دو فقره از مهم‌ترین اصلاحات صورت گرفته در قانون جدید، حذف بازپرس و ایجاد «قاضی تحقیقات

رییس مرحله تحقیقات مقدماتی (بازپرس یا دادستان) در اقدامات ناقص حریم خصوصی و آزادی افراد مستقل و خود رأی نبوده و اصولاً صلاحیتی برای تصمیم‌گیری درخصوص این اقدامات ندارد، در این الگو، تصمیم‌گیری راجع به اقدامات فوق به نهاد قضایی ناظر دیگری واگذار شده که خود هیچ‌گونه دخالتی در امر تحقیقات و جمع‌آوری دلایل جرم نداشت و تنها بر مبنای تقاضای رییس مرحله تحقیقات مقدماتی درخصوص این اقدامات تصمیم‌گیری می‌نماید (گلدوست جویباری، ۱۳۸۸: ۴۱)؛ برعکس در الگوی دوم که الگوی بدون مانع محسوب می‌شود، رییس مرحله تحقیقات مقدماتی بدون نیاز به کسب مجوز از مقام قضایی دیگر، درخصوص اقدامات فوق اتخاذ تصمیم می‌نماید.

موانع بیشتر در مقابل دادستان یا بازپرس در انجام اقداماتی نظیر جلب افراد، تفتیش منازل ایشان و بازداشت که اقدامات ناقص حریم خصوصی و آزادی افراد محسوب می‌شوند و نیز تصمیم‌گیری در کفایت یا عدم کفایت ادله اساسی برای ارسال پرونده به دادگاه، الگوی آیین دادرسی کیفری را به الگوی رسیدگی منصفانه‌تر نزدیک می‌کند. این در حالی است که بی‌مانع بودن الگو به این معنا که دادستان یا بازپرس در اتخاذ تصمیم راجع به اقدامات ناقص حریم خصوصی و آزادی افراد و نیز تصمیم‌گیری راجع به ارسال یا عدم ارسال پرونده به دادگاه آزاد باشند، الگو را به الگوی کنترل جرایم نزدیک می‌کند.

۱-۳- الگوی آمریکایی

همواره از حقوق آمریکایی به‌عنوان حقوق متناسب با انتظارات اجتماعی زمان خود یا حقوق تجربی یاد می‌شود. **الیور وندل هولمز** قاضی دیوان عالی آمریکا گفته است: «زندگی حقوقی هیچ‌گاه منطقی نبوده و همواره تجربی است.»

دادرسی کیفری آمریکا نیز از ساختار حقوق تجربی تأثیر پذیرفته است. موضوعی که موجب می‌شود الگوی دادرسی کیفری آمریکایی از بهترین و منعطف‌ترین الگوها باشد. پویایی آیین دادرسی کیفری ایالات متحده باعث می‌شود که بتوان از آن به‌عنوان یک الگو در طراحی الگوی مناسب برای هر جامعه‌ای از جمله ایران استفاده کرد.

۲۰۰۰ و ۲۰۰۷ دانست. در سال ۱۹۹۳ تغییرات عمده‌ای درخصوص قرارهای تأمین و نظارت قضایی رخ داد. در سال ۲۰۰۰ میلادی قاضی آزادی‌ها و بازداشت وارد آیین دادرسی کیفری فرانسه شد و در سال ۲۰۰۷ میلادی روش دو مرحله‌ای رسیدگی به پرونده‌های جنایی در مرحله تحقیقات مقدماتی منسوخ شد.

هدف قانون‌گذار فرانسوی در سال ۲۰۰۰ میلادی ایجاد الگویی بوده است تا از یک طرف، اختیار قضایی بازپرس در بازداشت افراد سلب شود و از طرف دیگر، نهادی جدید با عنوان قاضی آزادی‌ها و بازداشت در یک رسیدگی توافقی بین بازپرس که بازداشت متهم را تقاضا کرده و وکیل او تصمیم‌گیری نماید. اصل بر آزادی افراد است و بازداشت موقت افراد تنها به شکل استثنایی قابل قبول است.

هرچند صدور قرارهای مربوط به نظارت قضایی یا همان قرارهای تأمین، بین بازپرس و قاضی آزادی‌ها و بازداشت مشترک است. تنها مراجع صدور قرار بازداشت موقت افراد، در دادرسی کیفری جدید فرانسه، قاضی آزادی‌ها و بازداشت است.

آنچه گفته شد، نشان‌دهنده آن است که الگوی فرانسوی در بحث قرار بازداشت موقت افراد و سلب آزادی از ایشان یک الگوی دارای مانع است. بازپرس به‌عنوان مقامی که عهده‌دار انجام تحقیقات راجع به جرم است، در تصمیم‌گیری راجع به آزادی یا بازداشت افراد تحت تأثیر تحقیقات انجام‌شده توسط خودش است. بنابراین حتی اگر بخواهد، نمی‌تواند بی‌طرف باشد. قانون‌گذار فرانسوی، اختیار قضایی بازپرس در بازداشت افراد را از وی سلب کرده و تصمیم‌گیری او راجع به این موضوع را تنها به حد یک درخواست‌کننده از قاضی آزادی‌ها و بازداشت تقلیل داده است. موضوعی که همواره در الگوهای دادرسی کیفری مبتنی بر حقوق نانوشته (کامن‌لا) به‌عنوان یک افتخار مطرح بوده است (بوریکان و سیمون، ۱۳۹۲: ۳۸).

صرف نظر از آنکه الگوی حاکم بر مرحله تحقیقات مقدماتی، دارای بازپرس یا بدون آن باشد، دو الگوی دیگر قابل تصور است: در الگوی اول که به الگوی دارای مانع مشهور است،

یکی از نوآوری‌های اساسنامه در مورد ساختار، تشکیل شعبه مقدماتی، در رسیدگی به یک پرونده است. شعبه مقدماتی نقش مهمی را در مرحله تحقیق و تعقیب ایفاء می‌نماید. شعبه مقدماتی با سه قاضی به پرونده‌ها رسیدگی می‌نماید. قضات این بخش عمدتاً از میان قضاتی انتخاب می‌شوند که از تجربه کافی و لازم در امور کیفری برخوردارند. شعبه مقدماتی تنها مرجعی در دیوان است که از بدو شروع به تحقیقات و تشکیل پرونده در ارتباط نزدیک با دادستان فعال بوده و ایفاء نقش می‌نماید (طهماسبی، ۱۳۹۵: ۵۲).

در نظام دیوان کیفری بین‌المللی، رسیدگی مقدماتی با حضور متهم نزد شعبه مقدماتی به عمل می‌آید. پس از بازداشت متهم توسط دادستان و تسلیم وی به دیوان، شعبه مقدماتی باید اطمینان حاصل کند که به متهم تفهیم اتهام شده است و از حقوق خویش به موجب اساسنامه مطلع گردیده است، از جمله این حقوق حق درخواست اقدامات تأمینی قبل از شروع محاکمه است، به‌ویژه وی ممکن است تقاضای آزادی مشروط کند. در این مرحله دادستان می‌تواند با مطلع نمودن متهم و کسب اجازه از شعبه مقدماتی، اتهامات را جرح و تعدیل نماید. در این مرحله، دادستان باید تمامی ادله و مدارک گردآوری شده را در اختیار شعبه قرار دهد، لذا به نظر می‌رسد که دیدگاه دیوان کیفری بین‌المللی درخصوص تسلیم ادله و مدرک به شعبه مقدماتی قبل از شروع محاکمه با ویژگی‌های نظام نانوشته دادرسی کیفری، مطابقت زیادی داشته و در این خصوص ویژگی‌های مهم نظام نانوشته وارد رسیدگی در دیوان کیفری بین‌المللی گردیده است.

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی اختیارات مسوطی را برای شعبه مقدماتی قائل شده است. اهم این وظایف را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود: ۱- براساس بند ۳ ماده ۱۵ و بند ۲ ماده ۱۸ اساسنامه به شعبه مقدماتی اجازه آغاز تحقیقات را می‌دهد؛ ۲- شعبه مقدماتی براساس بند ۶ ماده ۱۹ اساسنامه، به اعتراضات راجع به قابلیت پذیرش یک دعوی و صلاحیت دادگاه (که با دولت صلاحیت‌دار باید رسیدگی نماید یا دادستان صالح به رسیدگی است) رسیدگی و اظهار نظر می‌نماید؛ ۳- به موجب قسمت «الف» و «د» از بند ۳ ماده

هرچند دادستان در ایالت متحده آمریکا از اختیارات و قدرت فراوانی برخوردار است و اوج این قدرت را می‌توان در معامله اتهام و تصمیم به تعقیب یا عدم تعقیب متهمین دید. در سه مرحله نقض حریم خصوصی، نقض آزادی افراد و تصمیم‌گیری راجع به کفایت یا عدم کفایت ادله اثباتی در مرحله تحقیقات مقدماتی فاقد اختیار قضایی است نقش دادستان در آمریکا در این سه مرحله به نقش یک متقاضی صرف، محدود است (Lippman, 2019: 88).

باتوجه به مطالب گفته‌شده و نیز با در نظر گرفتن الگوهایی به‌کارگرفته‌شده در برخی کشورها که شرح آن در این قسمت آمده، روشن گردید که نهاد قضایی ناظر در واقع ریشه در دادرسی نانوشته دارد. بررسی تاریخی موضوع به‌خوبی نشان می‌دهد که در دادرسی نانوشته به‌لحاظ قاضی نبودن دادستان یا به‌جهت رعایت منافع افراد و شهروندان، دادستان به تنهایی امکان نقض حقوق افراد را در موارد قانونی نداشته و مکلف به اخذ مجوز از قاضی بی‌طرفی دیگری است. این در حالی است که نهاد قاضی ناظر در کشورهای متعلق به نظام نوشته، نهادی جدید محسوب می‌گردد تجربه دو کشور فرانسه و ایتالیا به‌عنوان نمونه آورده شده و روشن گردید که تنها براساس قوانین جدید این نهاد به دادرسی کیفری نوشته، وارد شده است. نکته جالب توجه آن است که اجماع نمایندگان هر دو نظام در زمان نگارش اساسنامه بر وجود قاضی ناظر بود که در «شعبه مقدماتی» متبلور گردید.

۲- بررسی فرایند رسیدگی شعبه مقدماتی

در این قسمت به وظایف و اختیارات شعبه مقدماتی در دیوان کیفری بین‌المللی می‌پردازیم شعبه مقدماتی به‌عنوان یک نهاد قضایی ناظر، بر عملکرد دادستان، نظارت کامل داشته و اقدامات قهرآمیز فرایند دادرسی کیفری جز با مجوز این نهاد قضایی، ممکن نخواهد بود.

سرایت نظارت قضایی در مرحله تحقیق و تعقیب از نظام‌های داخلی به دادرسی کیفری بین‌المللی از دستاوردهای اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است در اساسنامه دیوان، این اختیار نظارتی به یک «شعبه مقدماتی» سپرده شده است.

در چنین موردی شعبه مقدماتی (راساً یا به درخواست دادستان) اقداماتی را که ممکن است برای اطمینان از کارآمدبودن و بی‌عیب‌بودن جریان تحقیقات و به‌ویژه حفظ حقوق متهم لازم باشد، به‌عمل خواهد آورد.

جز مواردی که شعبه مقدماتی به‌نحو دیگری مقرر نماید، دادستان باید اطلاعات مربوطه را به متهمی که دستگیر شده و یا در پاسخ به احضاریه صادره در رابطه با تحقیقات مذکور در فوق به منظور اتخاذ تدابیر لازمه حضور یافته، تحقیقات و اطلاعات را در اختیار او قرار داده تا این که متهم بتواند در مورد موضوع از خود دفاع نماید (زکوی و بابایی، ۱۳۹۴: ۵۴).

شعبه مقدماتی علاوه بر موارد گفته‌شده در برخی موارد براساس درخواست دادستان دیوان اقداماتی را انجام می‌دهد که به‌شرح ذیل است: «۱- صدور توصیه‌ها یا دستوراتی در مورد ترتیباتی که باید در تحقیقات انجام شود؛ ۲- صدور دستور مبنی بر تهیه سابقه‌ای از جریان تحقیقات؛ ۳- تعیین کارشناسی برای مساعدت در امر تحقیق؛ ۴- اجازه شرکت وکیل برای متهمی که دستگیر شده یا پس از ابلاغ احضاریه در دیوان حاضر شده است و در اثنای رسیدگی اگر متهم دستگیر نشده و حضور نیافته، اخذ وکیل تسخیری به‌منظور دفاع از منافع وی؛ ۵- شعبه مقدماتی یکی از اعضای خود یا در صورت نیاز قاضی دیگری از همان شعبه یا قضات بدوی به‌منظور نظارت بیشتر و ارائه توصیه و دستور مقتضی راجع به نحوه جمع‌آوری و حفظ دلایل و بازجویی از اشخاص؛ ۶- اخذ تدبیر و رهیافت دیگری که ممکن است در جمع‌آوری و حفظ نمودن دلیل راهگشا باشد» (اشبث، ۱۳۹۶: ۴۹).

هرگاه دادستان مطابق ماده ۵۶ اساسنامه، تدابیری اتخاذ نکند، اما شعبه مقدماتی چنین برداشت کند که اتخاذ تدابیر مذکور برای حفظ ادله که به‌نظر می‌رسد در مقام دفاع در محاکمه ضروری باشد، لازم است، شعبه مذکور در مورد این که آیا دلایل قابل قبولی برای امتناع دادستان از درخواست تدابیر مذکور وجود داشته است یا خیر، با دادستان رایزنی می‌نماید. اگر براساس رایزنی، شعبه مقدماتی به این نتیجه برسد که امتناع دادستان از درخواست تدابیر مذکور غیرموجه است، در

۵۷ اساسنامه، شعبه مقدماتی می‌تواند به دادستان اجازه انجام تحقیقات را در قلمرو دولت عضوی که به‌نظر شعبه مذکور مسلماً نمی‌خواهد به تقاضای همکاری با دادستان، ترتیب اثر بدهد و بدون این همکاری آن دولت را براساس فصل نهم اساسنامه (همکاری و معاضدت قضایی) جلب نماید، بدهد؛ ۴- پس از برگزاری جلسه، شعبه مقدماتی به‌موجب بند ۷ از ماده ۶۱ اساسنامه تعیین می‌نماید که آیا ادله کافی برای تحت تعقیب قرار دادن متهم وجود دارد یا خیر؛ ۵- طبق بند ۹ از ماده ۶۱ اساسنامه بعد از تأیید اتهامات و قبل از شروع محاکمه، شعبه پیش‌دادرسی می‌تواند به دادستان اجازه دهد که عناوین اتهامی کیفرخواست را اصلاح نماید که در این صورت مراتب به اطلاع متهم می‌رسد، چنانچه تغییرات حاصل‌شده در کیفرخواست مشتمل بر افزایش اتهامات و یا تشدید آن‌ها باشد، تشکیل جلسه مقدماتی لازم و ضروری است؛ ۶- شعبه مقدماتی طبق بند ۵ ماده ۷۲ اساسنامه، با دولتی که معتقد به مضر بودن افشای اطلاعات برای امنیت ملی آن کشور باشد، با آن دولت همکاری نموده تا این که موضوع با همکاری مشترک، حل و فصل شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳: ۶۱).

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که بخش مقدماتی یا «پیش محاکمه» در واقع واسطه‌ای بین دادستان و شعبه مقدماتی است. در واقع می‌توان گفت که اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی بخشی از وظایف و اختیارات دادستان را در مرحله تعقیب و تحقیق به‌عهده شعبه مقدماتی واگذار نموده تا بدین وسیله با نظارت شعبه مقدماتی بر اعمال دادستان، از کج‌روی دادستان جلوگیری نموده و حقوق متهمین بیشتر محفوظ بماند. به‌عبارت واضح‌تر، می‌توان گفت اعمال و تصمیمات متخذه دادستان مشمول «نظارت قضایی» می‌باشد (آشوری، ۱۳۸۵: ۷۵).

به تشخیص دادستان اگر انجام تحقیقی ضرورت داشته باشد و گذر زمان باعث تعذر دلیل شود، مثلاً اخذ شهادت و یا بازجویی و ... دادستان باید شعبه مقدماتی را از این امر مطلع نماید.

گردد. اگر وضعیتی از طرف کشورهای عضو و یا شورای امنیت ارجاع شود، این مجوز لازم نیست (خلیلیان، ۱۳۹۲: ۲۷).

اگر دادستان به دلایل مختلف شروع به تحقیق را در راستای عدالت نداند، موظف است شعبه مقدماتی را از تصمیم و دلایل توجیهی خود مطلع نماید. شعبه مقدماتی بنا به درخواست شورای امنیت و یا دولت ارجاع‌دهنده به بررسی تصمیم دادستان پرداخته و می‌تواند از دادستان بخواهد در تصمیم خود بازنگری نماید. بنابراین تصمیم دادستان قاطع نیست و مشمول نظارت قضایی می‌باشد.

۲-۲- دستورات ناقص آزادی

در رسیدگی دیوان کیفری بین‌المللی صدور هرگونه احضار و جلب و یا صدور قرارهای تأمینی که به بازداشت متهمین منجر شود، باید توسط شعبه مقدماتی صادر گردد. دادستان دیوان رأساً حق احضار و جلب مظنونان را ندارد و باید در مراحل تحقیق درخواست خود را به شعبه مقدماتی ارسال نماید. پس از شروع تحقیقات شعبه مقدماتی موظف است دستور آزادی و بازداشت شخص را به‌طور منظم با درخواست دادستان یا خود شخص که در بازداشت است، بررسی و بازنگری نماید. اگر شعبه مقدماتی با بررسی موضوع و بازنگری متوجه وقوع احوال و اوضاع جدیدی گردید، اقدام به صدور دستور جدیدی جهت اصلاح دستور قبلی می‌نماید (آشوری، ۱۳۸۵: ۶۷).

شعبه مقدماتی با بررسی موضوع و اوضاع و احوال پرونده باید مطمئن گردد که به دلیل تأخیر ناموجه دادستان، متهم مدت زمان غیرمعقولی قبل از محاکمه در بازداشت نماند. آنچه اهمیت دارد، آن است که دادستان دیوان در کلیه اقدامات مربوط به آزادی افراد به‌طور کامل تحت نظارت شعبه مقدماتی قرار داشته و نمی‌تواند به‌طور جداگانه یا مستقل مبادرت به جلب با بازداشت افراد نماید.

آن‌گونه که در ماده ۱۵ اساسنامه ذکر شده است: «یکی از روش‌هایی که براساس آن دادستان شروع به تحقیق در مورد ارتکاب جرایم مندرج در اساسنامه را آغاز می‌نماید، درخواست شورای امنیت است. زمانی که شورای امنیت رفتاری را به‌عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی ارزیابی کند، می‌تواند از

آن صورت شعبه مذکور، می‌تواند رأساً تدابیر مزبور را اتخاذ نماید.

تصمیمی که شعبه مقدماتی براساس این بخش رأساً اتخاذ می‌نماید از طرف دادستان قابل تجدید نظرخواهی است، تجدید نظرخواهی خارج از نوبت در شعبه بدوی رسیدگی خواهد شد.

در مورد قابلیت پذیرش ادله‌ای که در اجرای ماده ۵۶ اساسنامه، در رابطه با موارد فوق‌العاده برای محاکمه حفظ و یا جمع‌آوری شده (یا سوابق مربوط به آن‌ها) مقررات ماده ۶۹ اساسنامه حاکم خواهد بود و اعتبار و ارزش ادله فوق توسط شعبه بدوی تعیین خواهد گردید.

دیوان از الگوی ترافیعی حمایت نموده و شعبه مقدماتی هم نقش نظارتی دارد و هم می‌تواند در مرحله تحقیقات ابتدایی دخالت نماید و فقط در صدور اجازه شروع به تحقیق صالح نیست، بلکه نظارت مستمری دارد و به‌موجب آن اختیار حق صدور دستور مقتضی و حکم جلب و ... را دارد.

حال که به‌طور مختصر به وظایف مقدماتی در دیوان پرداخته شد، به‌طور جداگانه، وظایف این شعبه در مرحله شروع به تحقیق درخصوص دستورات ناقص آزادی و تصمیم برای ارسال پرونده به دادگاه، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱- شروع به تعقیب

در زمانی که طرح اولیه اساسنامه در حال بررسی بود، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که مطرح می‌شد، مستقل بودن دادستان و یا حضور قاضی ناظر بر عملکرد وی بود. بعضی از کشورها نظر بر دادستان مستقل داشتند و عده‌ایی دیگر به احتمال امکان نفوذ دول قدرتمند و سازمان‌های غیردولتی بر دادستان با نظریه دادستان مستقل مخالف بودند. سرانجام نظریه اعتدالی دو دیدگاه مورد پذیرش قرار گرفت. شروع به تحقیق از اختیارات دادستان است، اما زمانی که دادستان با ابتکار خود قصد شروع به تحقیق را دارد، تحت نظارت شعبه مقدماتی است و باید مجوز شروع به تحقیق اخذ نماید، چون ممکن است اقدامات نسنجیده دادستان منجر به تنش بین‌المللی

در دستگیری عمرالبشیر را به شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل ارجاع ندهد و شعبه در اخذ این تصمیم به اهمیت درخواست آفریقای جنوبی، به‌عنوان اولین دولت، نسبت به درخواست از دیوان برای روشن کردن قطعی حد و مرز تعهد این دولت به دستگیری و تحویل عمرالبشیر به دیوان استناد کرد. همچنین دیوان ارجاع موضوع به مجمع عمومی و شورای امنیت جهت وادار کردن آفریقای جنوبی به همکاری را ضروری ندانست، چراکه دادگاه‌های داخل این کشور قبل‌تر دولت را ناقص تعهداتش در این راستا براساس حقوق داخلی شمرده بودند» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵: ۵۶).

۲-۳- مرحله تصمیم‌گیری برای ارسال پرونده به دادگاه

یکی از ابتکارات اساسنامه رم بعد از پایان یافتن تحقیقات و جمع‌آوری دلایل تشکیل جلسه مربوط به تأیید اتهامات می‌باشد که این جلسه قبل از جلسه محاکمه است و به‌منظور بررسی موضوع و تأیید اتهاماتی است که رسیدگی به آن را دادستان تقاضا نموده است. این جلسه به دو روش تشکیل می‌گردد جلسه با حضور متهم و وکلای وی و حضور دادستان و یا بدون حضور متهم و وکیل ایشان. در این جلسه با بررسی مدارک اگر ادله جهت احراز ارتکاب جرم کافی باشد، پس از تأیید اتهام، پرونده را به‌منظور محاکمه به شعبه بدوی ارسال می‌نمایند و در صورتی که ادله جهت اثبات اتهام کفایت نکند، اتهام تأیید نشده و پرونده به دادگاه ارسال نمی‌شود. در صورت تأیید اتهام از سوی شعبه مقدماتی، هیأت ریسه پرونده را جهت رسیدگی به مراحل بعدی به یک شعبه بدوی ارجاع می‌دهد.

نتیجه‌گیری

جوامع مختلف باتوجه به اصول حاکم بر جامعه‌شان به حل مشکلات خود می‌پردازند و مقررات حقوقی نیز طبق همان اصول جهت رسیدگی به جرایم تدوین می‌گردد و مختص به هر کشور است. دیوان کیفری بین‌المللی به‌عنوان رکن انحصاری محاکمات بین‌المللی باتوجه به اصول جوامع و کشورهای مختلف تأسیس گردیده و از این جهت حائز اهمیت است. ساختار مناسب نظام عدالت کیفری در تحقق دادرسی منصفانه بسیار مهم است، قطعاً تحقق عدالت و رعایت اصول

دادستان دیوان بخواهد تحقیقات را آغاز کند. به‌عنوان مثال در قضیه دارفور، شورای امنیت با صدور قطعنامه، از دادستان خواست که به جنایات ارتكابی در سودان رسیدگی کند. تحقیقات دادستان سرانجام منجر به صدور دستور بازداشت سه تن از مسئولان سودان، از جمله عمرالبشیر رییس جمهوری انجامید.»

به‌لحاظ دادرسی، شعبه دوم مقدماتی دیوان، پیرو تقاضای دادستان با جلب عمرالبشیر موافقت کرد، دستور بازداشت، متهم به تأیید این شعبه رسید و مراتب لزوم جلب وی توسط دادستان دیوان به اطلاع آفریقای جنوبی رسید.

متعاقباً این شعبه، متشکل از یک قاضی در تصمیمی که در جلسه علنی قرائت شد، عدم همکاری آفریقای جنوبی در دستگیری عمرالبشیر را مخالف با تعهدات دانست، ولی با این حال، شعبه مقدماتی تصمیم بر عدم ارجاع موضوع، به شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل گرفت.

شعبه دوم مقدماتی دیوان بین‌المللی با استناد به قطعنامه شورای امنیت تحت فصل هفتم منشور ملل متحد، قضیه سودان در دارفور را مشابه با وضعیت دولت‌های عضو اساسنامه برآورد نمود و مطابق آن صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در ورود به قضیه دارفور و الزام سودان به همکاری کامل با دیوان را احراز نمود، بدین‌شکل با استناد به بند ۲ ماده ۲۷ اساسنامه دیوان، مصونیت عمرالبشیر را به‌عنوان رییس دولت تحت حقوق عرفی بین‌المللی در قبال تکلیف دول عضو اساسنامه به اجرای درخواست دیوان مبنی بر دستگیری و تحویل او برای رسیدگی به جرایم تحت صلاحیت دیوان قابل اعمال دانست، دیوان کیفری بین‌المللی نتیجه گرفت که دول عضو دیوان مکلف به اجرای حکم دستگیری عمرالبشیر و تحویل ایشان به دیوان هستند. «قضات دیوان همچنین اعلام کردند که موافقت‌نامه اتحادیه آفریقا به‌خودی‌خود برای سران دولت‌های شرکت‌کننده مصونیت ایجاد نمی‌کند. همچنین شعبه چنین احراز کرد که استدلال‌های آفریقای جنوبی در ارتباط با تماس با دیوان بین ۱۱ تا ۱۳ ژوئن ۲۰۱۵ میلادی اثری بر تکلیف دولت آفریقای جنوبی نسبت به دستگیری عمرالبشیر و تحویل وی به دیوان ندارد. با این حال، شعبه مقدماتی تصمیم گرفت عدم همکاری آفریقای جنوبی

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- اشبث، ویلیام (۱۳۹۶). *دیوان کیفری بین‌المللی*. ترجمه حمید الهوئی نظری و سید باقر میر عباسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل.

- آشوری، محمد (۱۳۸۵). *مجموعه مقررات دیوان کیفری بین‌المللی*. چاپ سوم، تهران: نشر دادگستر.

- بوریگان، ژان و آن موری، سیمون (۱۳۹۲). *آیین دادرسی کیفری*. ترجمه دکتر عباس تدین، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.

- تدین، عباس (۱۳۹۶). *قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه*. چاپ اول، تهران: انتشارات معاونت حقوقی قوه قضاییه و خرسندی.

- خالقی، علی (۱۳۹۷). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، چاپ سی و هشتم، تهران: انتشارات شهر دانش.

- خلیلیان، سید خلیل (۱۳۹۲). *دیوان کیفری بین‌المللی در یک نگاه و اساسنامه آن*. چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- زکوی، مهدی و بابایی، کوروش (۱۳۹۴). *وظایف و اختیارات دادستان دیوان کیفری بین‌المللی*. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.

- صابر، محمود (۱۳۸۸). *آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی*. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

- طهماسبی، جواد (۱۳۹۵). *صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی*. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

- گلدوست جویباری، رجب (۱۳۸۸). *کلیات آیین دادرسی کیفری*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات جنگل.

- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۳). *حقوق جزا بین‌المللی*. چاپ پنجم، تهران: انتشارات میزان.

اخلاقی و حقوق بشر جزء باوجود ساختار مناسب دادرسی کیفری امکان‌پذیر نمی‌باشد. از شخص متصدی مرحله تحقیق چه بازپرس و چه دادستان به‌عنوان مقامی که خود امر تحقیق و جمع‌آوری دلایل را برعهده داشته و از نزدیک با بزه‌دیده و بزه‌کار روبه‌رو بوده است، نمی‌توان توقع بی‌طرفی داشت، لذا تمایل جهانی به سمت ایجاد الگویی است که مقام تحقیق، تحت نظارت قاضی ناظر مستقلاً باشد تا تصمیمات او، منجر به تضییع حقوق اولیه و اساسی افراد نگردد. ساختار دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی نیز بر همین اساس شکل گرفته و در نتیجه الگویی ایجاد شده که دادستان دیوان به‌عنوان مقام تحقیق اجازه ورود و تصمیم‌گیری درخصوص مهم‌ترین حقوق افراد را نداشته باشد، شعبه مقدماتی با نظارت کامل بر کار دادستان، مانع تضییع حقوق افراد، از جمله حق آزادی و حفظ حریم خصوصی است و شعبه مقدماتی است که در این خصوص، تصمیم نهایی گرفته و دادستان صرفاً یک تقاضا دهنده خواهد بود، به همین دلیل روند تحقیقات در دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به دادگاه‌های داخلی اطمینان و اعتماد بیشتری را در پی دارد، زیرا به‌عنوان نمونه شعبه مقدماتی با بررسی تحقیقات و دلایل (له و علیه متهم) حاصله تصمیم‌گیری می‌نماید و اطمینان و اعتماد بیشتری را به‌همراه دارد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۵). *دادگاه کیفری بین‌المللی*. چاپ نهم، تهران: انتشارات دادگستر.

- یوسفی، ایمان (۱۳۹۲). *حقوق جزای تطبیقی (تحقیقات مقدماتی در آیین دادرسی کیفری ایران - کامن لا - رومی ژرمنی)*. چاپ اول، تهران: انتشارات جاودانه.

ب. منابع انگلیسی

- Edwards, G (2018). "International human rights law challenges to the New International criminal court the search and seizure right to privacy". *Yale Journal of international law*, 5(26): 82.

- Lippman Mathew, R (2019). *Criminal procedure*. 1st ed., New York: Sage Publication.